

## سیاست در خاورمیانه

شده است و نویسندگان توضیح داده اند که اساس کتاب، همان چاپهای پیشین است. فقط در برخی از فصول تغییرات حایز اهمیتی صورت گرفته است (صفحه xiii).

James A. Bill and Robert Springborg,  
*Politics in the Middle East*, Longman,  
2000, 350 pages.

از جمله فصل اول که به «توسعه سیاسی و چالش نوسازی» اختصاص دارد، بازنویسی شده تا آثار نظری در حوزه هایی مانند جامعه مدنی، روند دموکراتیک شدن و مشارکت را در بر گیرد. فصولی همچون فصل هفتم در باب اعراب و اسراییل و فصل نهم با عنوان «نفت، سیاست و توسعه»، به جهت اطلاعات و داده های آماری روزآمد شده اند. کتاب در مجموع از یک مقدمه و ۹ فصل تشکیل شده است و در بیشتر فصول،

دکتر حاتم قادری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

کتاب سیاست در خاورمیانه، کار مشترک جیمز بیل و رابرت اسپرینگبورگ است. خوانندگان فارسی زبان با «بیل» آشنایی بیشتری دارند. برخی از آثار وی از جمله «شیر و عقاب» در شرح روابط ایران و آمریکا، با استقبال گسترده ای در ایران مواجه شد. کتاب با ویرایش پنجم مشخص

چشم اندازهای تاریخی همچون زمینه مباحث آورده شده است. کتاب بیشتر با هدف توضیحی اجمالی از رگه های مؤثر بر سیاست در خاورمیانه همچون ساختارها و نهادهای گوناگون از جمله دین و اعتقادات، طبقه، خانواده و برخی الگوهای توجیهی چون پاتریمونیا لیسم، و ... به رشته تحریر درآمده است که بیشتر متناسب با طیف خوانندگان عمومی و به ویژه غربی است، ولی این نکته، از ارزش کتاب برای اهل فن نمی کاهد.

در مقدمه، نویسندگان با تأکید بر وضعیت موجود با علایمی چون تزلزل سیاسی، نابرابری اقتصادی، آشوب اجتماعی، گسست روانی و همچنین دو جنگ خلیج فارس در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ (صفحه xz). سعی دارند که پیچیدگی اوضاع را نشان دهند که البته دورنمای امیدوارکننده ای برای مردم خاورمیانه نیست. در همین مقدمه از درگیریهای آمریکا در سیاست خاورمیانه یاد شده است.

فصل اول با عنوان «توسعه سیاسی و چالش نوسازی»، نظری ترین فصل کتاب است. نویسندگان نوسازی

(Modernization) را فرایندی می دانند که مردان و زنان به طور روز افزون کنترل محیط فیزیکی خود را به دست می گیرند که برجسته ترین بُعد آن انقلاب تکنیکی است که در حوزه های صنعتی، اقتصادی و ارتباطات اثرگذاری دامنه داری داشته است (صفحه ۲). نوسازی یک فرایند ناآرام است که طی آن راحتی و آرامش زندگی سنتی از دست می رود (صفحه ۳). نویسندگان به دنبال توضیح مفهوم نوسازی، به منابع غنی خاورمیانه که امکان بالقوه را در اختیار کشورهای آن می گذارد، اشاره می کنند و برخی آمارهای اقتصادی را به دست می دهند، از جمله متذکر می شوند که تولید ناخالص ملی (GNP) در امارات متحده عربی، بیشتر از انگلستان است و کویت بیشتر از هر یک از ۳۶ کشور آمریکای لاتین. در همین راستا GNP ایران که در ۱۹۶۰، کمتر از ۳۰۰ دلار بود، در ۱۹۸۰ به ۲۰۰۰ دلار و در پایان قرن به رغم جنگ و انقلاب به ۲۵۰۰ دلار بالغ می شود (صفحه ۵).

نویسندگان «توسعه سیاسی» را هم توانایی دولت در ایجاد انتقال و دگرگونی با ثبات تعریف می کنند (صفحه ۵). نویسندگان در

همین راستا، با ارایه نموداری از آونگ که دو محور آن امنیت و آزادی است و آونگ امنیت-آزادی نامیده می شود، (صفحه ۸). مشکل مزمن دولتها و کشورهای منطقه را در توسعه سیاسی نشان می دهند- حرکت به سمت محور آزادی، امنیت را به خطر می اندازد و تا کسید بر امنیت، آزادی را مخدوش می نماید. یافتن مکانی که «آونگ» در نقطه تعادل به سر برد، با توجه به فرآیند دگرگونی نوسازی، مشکل به نظر می آید. معمولاً کشورها از جمله ایران شاهد نوسانات آونگ امنیت-آزادی طی دهه های قریب بوده اند. نویسندگان در همین فصل سه الگوی حکومتی را در خاورمیانه شناسایی می نمایند (صفحه ۱۱-۱۰). اول، الگوی سنتی-پادشاهی که امنیت و نظم را بر آزادی و عدالت ترجیح می دهد که عربستان سعودی و سپس کشورهای خلیج فارس به عنوان نمونه های بارز آن معرفی می شوند. الگوی دوم، رژیمهای میانه رو-تکنوکرات (فن سالار) هستند که تا حد زیادی مشارکت سیاسی را در جوامع تحت حکومت خود، افزایش داده اند که نمونه برجسته آن مصر است. سرانجام الگوی حکومت تکنوکرات

(فن سالار)-سرکوبگر است که از ابزار زندان و شکنجه، و دیگر اهرمهای سرکوب برای انقیاد مردم خود سود می جوید که البته مهمترین مورد، عراق معرفی می شود. در این میان ایران نمونه ای مردمی-روحانی شناخته می شود که به دلیلی برای بنیادگرایی نظامی است که معمولاً دولتهای اسلامی با آن توأم شده اند. نویسندگان در فصل دوم، جایی که به اعتقادات و ایدئولوژیها می پردازند به مشکل دوگانگی منشأ حاکمیت مردم با خداوند، توجه می دهند (صفحه ۳۴). به هر حال، در این فصل با اشاره به انتخابات خرداد ۱۳۷۶ (۱۹۹۷) و انتخاب آقای خاتمی، شعارهای انتخاباتی وی در زمینه جامعه مدنی، آزادی و قانون گرایی، برجسته می شوند.

در فصل دوم با عنوان «دولتها، اعتقادات و ایدئولوژیها»، نویسندگان شرح مختصر ولی سنجیده ای از اعتقادات دینی، از جمله اسلامیت و گرایشهای اسلام اصلاح گرا و اسلام احیاء گر، در کنار مسیحیت و یهودیت به دست می دهند و در جای خود به تفاوتهای شیعه و سنی هم بی توجه نمی مانند (صفحه ۳۴). در همین

فصل ایدئولوژیهای بعث، سکولاریسم، پان عربیسم، و ناسیونالیسم نیز تشریح می شوند. در ایدئولوژی ناسیونالیسم، به نمونه های رضاخان از ایران و همچنین کشورهای ترکیه و مصر اشاره می شود. البته برخی از این کشورها مظهری از دیگر ایدئولوژیها نیز هستند، مانند سکولاریسم در ترکیه و یا پان عربیسم در مصر. مشکلات دولت-ملت سازی از جمله موضوعاتی هستند که نویسندگان در این فصل به بحث گرفته اند. از جمله این مشکلات از منظر سیاسی، رابطه بین حاکمان اتباع (مردم) است. در این راستا پس از شرحی از مفهوم خلافت در عالم اسلام به غزالی استناد می شود که لزوم اطاعت مردم از حکام را ترس از آشوب و هرج و مرج می داند (صفحه ۳۴). در بالا به مشکل دوگانه منشأ مشروعیت حکومت مردم یا خداوند هم اشاره شد. در نهایت در این فصل این نکته برجسته می شود که دولت-ملت سازی بیشترین چالش را با ایدئولوژیهای ناهمساز دارد.

فصل سوم به موضوع گروهها، طبقات، و خانواده ها اختصاص دارد. ساختار

گروهها، عمودی است و بیشتر بر افراد متمرکز است تا نهادها (صفحه ۶۴)، خلاف ساختار طبقات که افقی است (صفحه ۸۶). در همین راستا یعنی عمودی بودن ساختار گروهها و خانواده، اهمیت شخصی سیاست با قالب «زعیم» برجسته می شود. زعیم کسی است که دیگران گرد او جمع می شوند و با وفاداری به او، سیاستهایش را تأیید می کنند. البته زعیم نیز به نوبه خود، سعی در عرضه نمایندگی مناسب این وفاداریها و منافع حاصله از آن دارد. زعیم گرایی، با نهادسازیهایی مدرن سازگاری ندارد. در همین فصل، نویسندگان، بخش خاصی را هم به شرح «قدرت زنان» در امر سیاست واگذارده اند. براساس ارزیابی به عمل آمده، زنان چه در جوامع و کشورهای مدرن تر و چه سنتی تر، در جایگاهی قرار دارند که بر سیاست اعمال نفوذ کنند (صفحه ۸۰). اما به طریق سنتی این اعمال نفوذ، گونه مشارکتی و شهروندانه را شامل نمی شود، بلکه این نفوذ به شکل خویشاوندی، و از طریق دختران، خواهران، عمه ها، همسران و سرانجام صیغه ها اعمال می شود.

در فصل ۴، با عنوان سیاست رهبری

پاتریمونیا، نویسندگان به طور تفصیلی با اشاره به پیامبر و نحوه اعمال سیاست ایشان به موضوع فرآیندی (کاریزما) و شخصیت می پردازند. در این فصل آمیزه ای از قالبهای فرآیندی (کاریزماتیک) و پدرسالارانه (پاتریمونیا)، با ارایه وضعیت و پیشینه تاریخی، آمده است.

در فصل ۵، با عنوان «سیاست رهبران و تغییر» بیشتر به مطالعات موردی نمونه های برجسته رهبران کشورهای خاورمیانه در قرن بیستم پرداخته شده است. در این میان سه نمونه به شرح درآمد است: آتاتورک با عنوان رهبر انقلابی ترکیه توصیف شده و برخی از اقدامات عرف گرایانه وی و تأثیرگذاریش بر دیگر کشورها از جمله ایران عصر رضاخان توضیح داده شده است. محمد رضا شاه با «سنت گسرایبی یک پادشاه مدرن» (صفحه ۱۴۳)، توصیف گشته است و ضمن شرح اقدامات وی از جمله آنچه که انقلاب سفید نامیده می شود، به رشد مخالفتها و همچنین جنگهای چریکی، توجه شده و سرانجام جمال عبدالناصر همچون مدل پاتریمونیا لیسم و انتقال معرفی شده است. وی نیز چون آتاتورک، برخی از حوزه ها را که

عنوان پدرسالارانه (پاتریمونیا لیسم) دارد ثابت و برخی حوزه های اجتماعی را متحول ساخته بود.

در فصل ۶ با عنوان نزاع اعراب - اسرائیل، نویسندگان به شرح نزاع با پیشینه تاریخی مشکل سیاسی بزرگ خاورمیانه بین اعراب و اسرائیل با توجه به الگوی نظری «دولت سازی» پرداخته اند. نویسندگان به دنبال توضیح شکل گیری دولت اسرائیل نقشهای داخلی این کشور را در مواردی برجسته ساخته اند. قومیت که در برگیرنده تنشها و مشکلات یهودیان شرق و غرب در راستای وضعیت دوگانه «سفار دیم - اشکنازین» است، اولین موضوع برای تنش داخلی شناخته شده است. سپس به نظام انتخاباتی که به نوبه خود شکاف بین رهبران مذهبی و سکولار (عرف گرا) را فزونی می بخشد، توجه گشته و سپس به اشغال سرزمین اعراب، و نحوه اعمال سیاستها و اختلافات بر سر آن، اشاره شده است. در همین فصل نویسندگان کمکهای آمریکا را در امر دولت سازی اسرائیل ارزشمند ارزیابی می کنند (صفحه ۲۵۴). به دنبال توصیف دولت سازی در اسرائیل، به تلاش رقیب وی

یعنی فلسطین در امر دولت سازی پرداخته شده است و مواردی که بیشتر درگیر سیاستهای روز می شود از جمله جریانهای صلح و انتفاضه، شرح داده شده اند.

فصل ۸، به «سیاست جنگ و انقلاب خلیج فارس» پرداخته و باز به تناسب عنوان، توضیحات مفصلی در باب وضعیت ایران که نویسندگان آن را ابرقدرت خلیج فارس (صفحه ۲۴۰) معرفی می کنند، آورده شده است. نویسندگان انقلاب اسلامی ایران را حاصل به هم پیوستگی بورژوازی طبقه متوسط و اقشار طبقه پایین می دانند. در همین فصل توضیحی درباره اثرگذاری جنگهای خلیج فارس و انقلاب ایران بر کشورهای خلیج فارس آمده است.

سرانجام، در فصل ۹، با عنوان «نفت، سیاست و توسعه»، موضوعاتی چون صنعت، کشاورزی و خدمات با توجه به مسئله نفت بحث شده است. نویسندگان اعتقاد دارند، در حالی که بخشهای مرتبط با نفت، از رشد دورقمی برخوردار بوده اند، دیگر بخشهای صنعت مشکلات جدی برای بقاء و رسیدن به یک رشد مطلوب داشته اند (صفحه ۳۰۷). وضعیت کشاورزی نیز خطرناک ارزیابی

می گردد. در حالی که در سال ۱۹۷۲، بیشتر کشورهای منطقه به جهت کشاورزی خود کفا بودند، در ۱۹۸۶ واردات کشاورزی به رقم ۲۵ میلیارد دلار رسید که ۱۰ برابر دهه پیشین بود. خاورمیانه در حال حاضر بزرگترین منطقه در جهان برای واردات غذایی است (صفحه ۳۱۰) و درآمدهای حاصل از نفت به جهت تغییرات در ساخت اقتصادی، به تغییر الگوهای مصرف غذایی هم منجر شده اند (صفحه ۳۱۱). اما بر خلاف دو بخش کشاورزی و صنعت، بخش خدمات به لطف دولتهای بهره گیر (رانتی)، از رشد بسیاری برخوردار بوده است (صفحه ۳۱۳).

نویسندگان در همین بخش به برخی مشکل ها از جمله پارادوکس (تناقض نمایی) رشد اقتصادی و زوال سیاسی توجه می دهند. زوال سیاسی به طور عمده معطوف به موقعیت دولتهای بهره گیر است. همچنین از دیگر موضوعات، مسئله آزادسازی اقتصادی و سیاستهای تعدیلی است.

